

اظهار نظر کارشناسی درباره:

«لایحه معاهده استرداد مجرمین بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری کره»

مقدمه

یکی از بنیادی‌ترین اصول حقوق بین‌الملل، اصل همکاری دولت‌هاست که از جلوه‌های آن همکاری‌های حقوقی و قضایی است. امروزه عموماً چارچوب حقوقی این همکاری‌ها در موافقتنامه‌های دو یا بعضاً چندجانبه تعریف می‌شود. خود این موافقتنامه‌های چندجانبه، قالب‌های متفاوتی دارند. یکی از این صورت‌ها انعقاد موافقتنامه‌های استرداد مجرمان، همکاری قضایی کیفری یا حقوقی و انتقال محکومان به حبس است. موافقتنامه حاضر که در زمره موافقتنامه‌های استرداد مجرمان است در تاریخ ۱۳۹۵/۱۱/۱۲ در کمیسیون قضایی - حقوقی مجلس مورد بررسی قرار گرفت و با الحاق تبصره‌ای به آن مورد تصویب قرار گرفت. در اینجا لازم است انواع معاهدات همکاری‌های دوجانبه حقوقی و قضایی و ویژگی آنها روشن شود تا جایگاه لایحه «موافقتنامه استرداد مجرمین بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری کره» مشخص گردد.

۱. **معاهدات راجع به استرداد مجرمین و متهمین:** در این‌گونه از معاهدات، شخصی به‌واسطه رفتار مجرمانه‌ای که در یک کشور انجام داده است و یا متهم به ارتکاب آن است و در سرزمین کشور دیگری حضور دارد مورد تقاضای استرداد قرار می‌گیرد. در واقع در این نوع معاهدات، شخص مورد نظر در کشور محل ارتکاب، تحت تعقیب قرار گرفته است و یا حتی حکمی علیه وی صادر شده است اما به هر دلیل از حوزه صلاحیت این کشور خارج شده است. در این حالت، کشور محل ارتکاب رفتار مجرمانه، از کشور محل حضور مرتکب عمل یا متهم به ارتکاب آن، تقاضای استرداد این شخص را می‌نماید. در این نوع از معاهدات، کشور تقاضاکننده ارائه اسنادی مانند حکم بازداشت و یا حکم قطعی، اسناد مثبت جرم و اطلاعات دیگری را مطالبه می‌کند تا بتواند از ادعای مورد نظر اطمینان حاصل نماید.

درواقع «استرداد یک فرآیند رسمی است که طی آن دولتی از دولت دیگر می‌خواهد که شخص مورد تقاضای وی و یا فرد متهم و یا محکوم به ارتکاب یکی از جرائم ناقض قوانین کشور تقاضاکننده را به این کشور تحویل دهد. بازگرداندن شخص مورد تقاضا به این دلیل درخواست می‌شود که آن شخص به‌واسطه جرم و یا جرائمی که مرتکب شده است در کشور تقاضاکننده موضوع دادرسی و یا مجازات قرار گیرد»^۱. موافقتنامه‌های دوجانبه استرداد متهمین و محکومین از قدیمی‌ترین معاهدات در حقوق بین‌الملل هستند و تاریخ انعقاد برخی از آنها به سال‌های پایانی قرن نوزدهم می‌رسد.^۲

مخصوص سخن علمی

مشخصات لایحه

دوره دهم - سال اول

شماره ثبت:

۲۱۴

شماره چاپ:

۴۵۱

تاریخ چاپ:

۱۳۹۵/۱۲/۲۳

معاونت پژوهش‌های

سیاسی - حقوقی

دفاتر:

مطالعات حقوقی

مطالعات سیاسی

مشخصات گزارش

شماره مسلسل:

۲۴۰۱۵۲۸۴-۱

تاریخ انتشار:

۱۳۹۶/۱/۱۴

1. UNODC Manual on Mutual Legal Assistance and Extradition, Vienna September 2012, p.41.

۲. برای مثال موافقتنامه استرداد بین کانادا و اروگوئه به سال ۱۸۸۵ باز می‌گردد.

۲. معاهدات راجع به انتقال محکومین: در این نوع معاهدات، شخصی در سرزمین یک کشور مرتکب رفتار مجرمانه‌ای می‌شود. این شخص تبعه کشور محل ارتکاب رفتار مجرمانه نیست؛ این رفتار مجرمانه در آن کشور مورد رسیدگی قرار گرفته و در نتیجه مرتکب به حبس محکوم می‌شود. کشور متبوع شخص محکوم، به واسطه داشتن علقه سیاسی - حقوقی با آن شخص، متقاضی تحویل وی به خود می‌باشد تا آن شخص مدت زمان محکومیت خود را در زندان‌های کشورش سپری نماید.

براین اساس، معمولاً در این گونه از موافقتنامه‌ها خود محکوم می‌تواند در صورت وجود شروط دیگر رضایتش را برای انتقال به دولت متبوعش برای سپری کردن محکومیت حبسش اعلام کند. البته در صورت اعلام رضایت شخص محکوم، پذیرش انتقال وی همچنان منوط به اعلام رضایت کشور صادرکننده و درخواست انتقال از سوی کشور اجراکننده حکم است. در واقع محکوم، حق ارائه درخواست را دارد، ولی کشورهای صادرکننده حکم و اجراکننده آن مکلف به پذیرش چنین درخواستی نمی‌باشند و اعلام رضایت آنها به عنوان عنصری ضروری از فرآیند تحقق انتقال می‌باشد.

بر اساس آنچه که بیان شد، تفاوت‌های اساسی بین دو نوع معاهده اول و دوم به چشم می‌خورد: اولاً در معاهدات نوع اول کسب رضایت مجرم یا متهم در امر استرداد شرط نیست در حالی که در معاهدات دسته دوم، رضایت شخص محکوم در امر انتقال تأثیرگذار است. ثانیاً تفاوت عمده دیگری که بین این دو معاهده وجود دارد مسئله نظم عمومی است. در معاهدات نوع اول، واقعیت آن است که نظم عمومی کشور متقاضی استرداد نقض شده است در حالی که در معاهدات نوع دوم نظم عمومی کشور تقاضاشونده نقض گردیده است. ثالثاً هدف از معاهدات گونه اول تأمین نظم و امنیت کشور متقاضی استرداد است در حالی که در معاهدات نوع دوم بیشتر منافع و مصالح شخص محکوم مورد توجه است.

۳. معاهدات معاضدت‌های قضایی در امور کیفری: این نوع موافقتنامه‌ها برای ردیابی متهمان و یا محکومان، تبادل اطلاعات راجع به جرائم و مجرمین و یا مشارکت در تحقیقات مقدماتی رسیدگی‌های قضایی منعقد می‌شوند. برای مثال می‌توان به ماده (۹) کنوانسیون مبارزه با رشوا و ارتشای مقامات عمومی خارجی در بازرگانی بین‌المللی اشاره کرد که عنوان می‌کند کشورها می‌توانند برای به دست آوردن اطلاعات و مدارک از طریق معاهدات همکاری قضایی دوجانبه وارد عمل شوند. در واقع هدف اصلی این نوع از معاهدات آن است که مقامات مجری قانون بتوانند مدارک و دیگر اقدامات شکلی لازم در خارج از کشور را به نوعی که در دادگاه‌های کشور تقاضاکننده قابل پذیرش است تدارک ببینند.^۱

۴. معاهدات معاضدت‌های قضایی در امور مدنی: این معاهدات بیشتر در قالب معاهدات آموزش نیروها، نگارش و تدوین پیش‌نویس قوانین، شناسایی آرای محاکم، ابلاغ اوراق قضایی، جلب نظر کارشناس و ... منعقد می‌شوند.

بررسی لایحه معاهده

همان‌طور که از نام موافقتنامه حاضر برمی‌آید، موضوع این سند در قالب نکاتی که در خصوص دسته اول از معاهدات همکاری قضایی و حقوقی در مقدمه ذکر شد، قرار می‌گیرد. لذا نکات زیر در خصوص این موافقتنامه باید مورد توجه قرار گیرد:

1. Typology on Mutual Legal Assistance in Foreign Bribery Cases, p 3&13, available at:

<http://www.oecd.org/daf/anti-bribery/TypologyMLA2012.pdf>

۱. مطابق با ماده (۱) موافقتنامه برای امکان استرداد دو شرط اولیه لازم است که عبارتند از:

الف) تحت تعقیب بودن شخص مورد تقاضا برای استرداد،

ب) یافت شدن شخص مد نظر در کشور تقاضاشونده.

۲. جرائمی که مطابق با این موافقتنامه قابلیت استرداد در خصوص آنها وجود دارد آن جرائمی هستند که مجازات آنها حبس به

مدت حداقل یک سال می‌باشد.

۳. از ویژگی‌های خاص و پراهمیت این موافقتنامه آن است که به‌طور مبسوط به قاعده مجرمیت مضاعف^۱ پرداخته است. این

قاعده که به‌عنوان اساسی‌ترین قاعده لازم برای استرداد محسوب می‌شود و همیشه موجبات اختلاف نظر میان کشورهای طرف

معاهدات استرداد را فراهم آورده است به‌معنای آن است که رفتار مجرمانه موضوع استرداد باید در هر دو کشور درخواست‌کننده و

تقاضاشونده جرم تلقی شود. این موافقتنامه در ماده (۲) خود با تصریح مؤلفه‌های سلبی تلاش کرده است تا از ابهام و اختلاف نظر در

مرحله اجرا بکاهد. در زیر بندهای «الف» و «ب» بند «۳» ماده (۲) به ترتیب عنوان شده است که برای احراز قاعده مجرمیت مضاعف

لازم نیست هر دو کشور طرف معاهده، فعل و یا ترک فعل مربوطه را در یک طبقه از جرائم قرار دهند و لازم نیست که عناصر

تشکیل‌دهنده جرم در هر دو کشور کاملاً منطبق بر یکدیگر باشند. بند «۴» نیز در همین راستا گام برداشته است و نداشتن نوع

مشابه مالیات یا عوارض گمرکی در کشور درخواست‌شونده را مانعی برای استرداد محسوب نکرده است.

۴. این موافقتنامه نیز همانند تمام موافقتنامه‌های راجع به استرداد، یک دست از جرائم را از دایره جرائم قابل استرداد مستثنا

نموده است. البته تفاوت این موافقتنامه با سایر موافقتنامه‌های استرداد در این است که طی دو ماده (۴) و (۵) استثنائات استرداد را

به دو دسته اجباری و اختیاری تقسیم کرده است. مواردی که در ماده (۴) عنوان شده‌اند عبارتند از: جرم سیاسی، عدم مجازات یا

محاکمه مجدد، امنیت عمومی، بروز عوامل منع محاکمه یا پیگرد مثل مرور زمان و ممنوعیت استرداد در جایی که مجازات به‌دلیل

نژاد، مذهب، عقاید سیاسی، تابعیت و جنسیت باشد. احراز هر یک از این موارد در خصوص درخواست استرداد الزاماً مانع از استرداد

خواهد شد. در حالی که ماده (۵) به مواردی اشاره دارد که در صورت احراز آنها، کشور درخواست‌شونده به صلاحدید خود می‌تواند از

استرداد خودداری نماید. مصادیق مشمول ماده (۵) عبارتند از: جرائم نظامی، ارتکاب بخش یا تمام جرم در کشور تقاضاشونده،

محکومیت یا تبرئه شدن شخص موضوع تقاضای استرداد برای همان جرم در کشور ثالث و یا وجود شرایط خاصی در فرد موضوع

تقاضا به‌نحوی که استرداد وی با ملاحظات انسانی سازگار نباشد.

۵. براساس بند «۲» جزء «الف» ماده (۴) یکی از مواردی که توسط طرف‌های موافقتنامه نباید به‌عنوان جرم سیاسی تلقی

شود مورد اشاره قرار گرفته است. این قسمت از ماده (۴) به معاهدات بین‌المللی اشاره دارد که حاوی قاعده «محاکمه کن یا مسترد

دار»^۲ هستند که به اشتباه تحت عنوان «احراز صلاحیت یا استرداد» مطرح شده است.

۶. به‌طور کلی باید این ملاحظه را مد نظر داشت که تصویب و پایبندی به این نوع از معاهدات به‌نوعی شناسایی و احترام به

دستگاه قضایی کشور مقابل را ایجاب می‌نماید. در همین خصوص می‌توان به مواد (۷) و (۹) اشاره کرد که به ترتیب مربوط به اسناد

لازم برای استرداد و بازداشت موقت هستند که طی آنها احکام دادگاه‌های طرف مقابل مورد شناسایی قرار می‌گیرند.

۷. کمیسیون قضایی - حقوقی این موافقتنامه را با الحاق یک تبصره با مضمون رعایت اصول هفتادوهفتم و یکصدوسی‌نهم

قانون اساسی در اجرای این موافقتنامه به تصویب رسانده است. با توجه به متن موافقتنامه، الحاق چنین تبصره‌ای لزومی نداشته

1. Dual Criminality

2. Aut Dedere aut Judicare

است، زیرا موضوع اصلاح موافقتنامه در هیچ‌یک از مواد مورد اشاره قرار نگرفته است تا اصل هفتاد و هفتم محلی برای اعمال داشته باشد. در خصوص حل و فصل اختلافات نیز تنها راه پیش‌بینی شده در معاهده، مذاکره است و به راه‌حل‌های قضایی اشاره نشده است. لذا لزومی برای اعمال اصل یکصد و سی و نهم قانون اساسی نیست.

نتیجه‌گیری

به‌طور کلی این موافقتنامه نسبت به معاهداتی که در خصوص همین موضوع در سال‌های اخیر منعقد شده است از انسجام و جامعیت مناسبی برخوردار است و طرفین این موافقتنامه تلاش نموده‌اند تا با ملحوظ نظر قرار دادن فروض مختلف از ایجاد اختلافات احتمالی جلوگیری نمایند. با این حال همان‌طور که اشاره شد، عبارت «احراز صلاحیت یا استرداد» مندرج در زیربند «۲» بند «الف» ماده (۴) باید با تعبیر «محاكمه کن یا مسترد دار» جایگزین شود.

هرچند تصویب این موافقتنامه با مانعی مواجه نیست، لکن نظر به عدم نیاز به تبصره الحاقی به‌نحو مطرح در مصوبه کمیسیون، تصویب معاهده بدون تبصره الحاقی مورد پیشنهاد است.

